

امام علیه السلام در باره سرآمد مفسران

محمد مرادی

مقدمه

قاضی ابو محمد عبدالحق اندلسی، نامبردار به ابن عطیه، (مذهب مالکی، م ۵۴۶ ق)، درباره سرآمد مفسران می نویسد:

اما صدر المفسرین و المؤید فیهم فعلی بن ابی طالب^۱، اما در رأس مفسران و مورد تأیید در

میان آنان، علی بن ابی طالب است.

بعدها این سخن را ثعالبی، (م ۸۷۵ ق)، در تفسیرش جواهر الحسان^۲، قرطبی (م ۶۷۱ ق) در الجامع لاحکام القرآن^۳، ابن کثیر قریشی (م ۷۷۴ ق) در تفسیر القرآن العظیم^۴، و نیز زرکشی در کتابش البرهان^۵، مورد تأیید قرار داده اند.

بیست و ششم

سال هفتم
شماره ۲۸

۱۴۴



واقعیت و شواهد تاریخی، سخن فوق را گواهی می‌کند. امام علی علیه السلام در میان صحابه رسول خدا، شخصیتی یگانه از تمامی جهات است. او سرچشمه علم تفسیر است، چنانکه ابن ابی الحدید شارح معتزلی نهج البلاغه به آن تصریح کرده است: علم تفسیر از علی نشأت گرفت و از او شاخ و برگ پیدا کرد. او برای روشن شدن ادعایش، خوانندگان را به کتاب‌های تفسیری ارجاع داده است. ۶

تفسیر پژوهان به این حقیقت معترفند که آثار به جا مانده تفسیری از امام علی علیه السلام، بیش از سایر صحابه و خلفا است. آنان اگرچه تلاش کرده‌اند که دلیل آن را طولانی تر بودن عمر امام نسبت به بقیه، گسترش قلمرو دولت اسلامی در زمان آن حضرت و ورود غیر عرب‌ها به حوزه مسلمانی، معرفی کنند، اما به نظر می‌رسد که چنین قضاوتی، صرفاً تحلیل واقعیت بر اساس یک روی سکه است. این نظر امام محمد غزالی را که مجلسی در بحار الانوار آورده، با واقعیت منطبق تر است. غزالی، ضمن نقل این روایت که علی علیه السلام گفته است: پیامبر زبانش را در کام من گذاشت و در قلبم هزار در علم گشوده شد که هر دری را هزار در است. اگر برایم بالشتی بگذارند و بر روی آن بنشینم، برای اهل تورات با تورات و برای نصارا با انجیل و برای اهل قرآن با قرآن داوری خواهم کرد، می‌نویسد:

رسیدن به چنین مقامی به مجرد علم ممکن نیست؛ بلکه انسان با قوه علم لدنی می‌تواند به آن دست یابد. ۸

زرقانی نیز معترف است که خداوند، به علی فطرتی ناب، هوشمندی بی‌نظیر و عقلی موهوب عطا کرده است. ۹

به این ترتیب می‌توان اذعان داشت که جایگاه امام علی علیه السلام در تفسیر قرآن، بسی فراتر از سطح سایر عالمان به تفسیر است. جایگاهی انحصاری که هیچ کس به آن راه نیافته است. او در دامن نبوت پرورش یافت و آنچه پیامبر خدا، تعلیم می‌دید، به او می‌آموخت. ان الله علم نبیه التنزیل و التأویل فعلمه رسول الله علیاً. ۱۰

امام علی علیه السلام خود نیز به چنین شاگردی تصریح کرده و فرموده است:

رسول خدا قرآن را بر من املا می‌کرد و من با خط خود می‌نوشتم. به من تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و عام و خاص قرآن را آموخت و آنگاه از خداوند طلب کرد که فهم و حفظ آن را بر من عطا فرماید. ۱۱

به جهت همین احاطه علمی، رسول خدا، از علی، به عنوان صاحب تأویل نام برده، در حالی که خود را صاحب تنزیل معرفی کرده است. یا علی! انا صاحب التنزیل و انت صاحب التأویل. ۱۲

صاحب بی‌مثال این دانش، بارها و بارها از مردم درخواست کرد تا از او درباره علوم مورد

نیازشان پرسند و به آنها اعلام می کرد:

احدی را دانانتر از من به کتاب خدا نخواهید یافت، پس، از من سؤال کنید. ۱۳

امام آن چنان احاطه به آیات قرآن داشت که می دانست آیات قرآن در کجا، در چه زمانی؟ در کوه، در دشت، در شب و یا روز بر پیامبر نازل شده است. ۱۴ می فرمود: خواب بر چشمان و سرم نرفت مگر اینکه می دانستم آنچه را که جبرئیل از حلال و حرام و امر و نهی و سنت و کتاب آورده است. ۱۵

*
۱۳
۱۴
۱۵

صیث علمی امیر مؤمنان در دانش تفسیر، چنان پر آوازه است که از دوران نزول تاکنون، نه تنها کسی در آن خدشه نکرده، که هر کسی به بیانی آن را بر زبان آورده است. خطبه های به یادمانده و آثار قلمی آن بزرگوار نیز گواه صادقی بر این ادعا است. ۱۶

ابن عباس که به «ترجمان القرآن» شهرت دارد، خود را شاگرد علی علیه السلام می داند و گفته است: هر چه از تفسیر دارم از علی است: و ما اخذت من تفسیر القرآن فعن علی بن ابی طالب. ۱۷ عامر شعبی، عایشه، عبدالله بن ابی عمر و عطاء بن ابی رباح، علی را آگاه ترین مردمان به کلام خدا می دانستند. ۱۸ در قرائت نیز عمر، عبدالله بن مسعود و عبدالرحمن سلمی، امام را سرآمد قاریان می شناخته اند. ۱۹

دکتر ذهبی درباره تفسیردانی امام، بر این عقیده است که علی، بر مهارت در قضاوت و فتوا، علم تفسیر و فهم اسرار معانی آن را افزوده بود. داناترین ها به موقعیت نزول آیات و شناخت تأویل آنها بود. ۲۰ در یک کلام، مطابق کلامی که منسوب به رسول خدا است، می توان علی را «تفسیر قرآن» دانست. «علی تفسیر القرآن». ۲۱

تفسیر در نگاه امام علی علیه السلام

نحوه نگرش به متن یک کتاب آسمانی در مقام نظر و عمل، نشان می دهد که شخص، آن متن را چگونه ارزیابی می کند. آیا آن را متنی قابل فهم می داند یا خیر؟ برای آن زبانی خاص قایل است یا نه؟ اگر بر این باور است که آن متن قابل فهم و شرح و بیان است، چه شرایط و ابزاری را برای آن در نظر گرفته است؟

امیر مؤمنان، قرآن کریم را نه متنی معمولی می داند که هر کسی می تواند آن را بفهمد و نه چنان که آن کتاب برای هیچ کسی قابل دسترسی نباشد، برای او اسلوبی خاص قایل است که برای فهمش باید آن اسلوب را در نظر گرفت. آن حضرت در یک تقسیم بندی، آیات قرآن را از حیث قابل فهم بودن و نبودن، به سه بخش تقسیم کرده است. بخشی که عالم و جاهل آن را می فهمند، بخشی که



آن را نمی فهمند جز کسانی که ذهنی صیقل یافته، احساسی لطیف و قوه تمیز درستی دارند. بخش سوم را مخصوص خدا، پیامبران و راسخان در علم دانسته است. ۲۲

طبق این بیان، قرآن، کتابی حاوی تعالیمی است که دارای مراتب است. مرتبه ای که قابل فهم برای توده های مردم است و مرتبه ای که افراد بخصوصی از مردم آن را درک می کنند و مرتبه ای عالی که علم آن در نزد خدا و اولیای او است.

امام در کلامی، قرآن را کتابی صامت معرفی کرده، ۲۳ که خود زبانی ندارد و به ترجمان نیاز دارد: «لا ینطق بلسان و لا بد له من ترجمان و انما ینطق عنه الرجال». ۲۴ و توصیه کرده است که باید قرآن را به سخن در آورد: «ذلک القرآن فاستنطقوه». ۲۵ این بیان به وضوح این حقیقت را بازگو می کند که قرآن به تفسیر و تبیین نیاز دارد.

قرآن حامل معانی و وجوه و احتمالاتی است. «فانه حمّال ذو وجوه» ۲۶ و آن را کتابی می داند که حاوی همه اطلاعات مربوط به تعالیم دین است. «ما من شیء تطلبونه الا و هو فی القرآن»، و راه کشف آن را مراجعه به اهل فن که خود آن حضرت است می داند. «فمن اراد ذلک فلیسألنی عنه». ۲۷ گستره وسیعی که امام علی علیه السلام برای معارف قرآن قایل است، از آن کتابی ویژه ساخته و ژرفایی آن، حامل آن معارف است. ظاهره انیق و باطنه عمیق. ۲۸ بر همین اساس و بینش است که برای هر آیه ای از آیات قرآن، چهار معنا قایل شده است: ظاهر و باطن، و حد و مطلع، «فالظاهر التلاوة، و الباطن الفهم، و الحد هو احکام الحلال و الحرام و المطلع هو مراد الله من العبد بها». ۲۹

امام علیه السلام در مقام عمل، در تفسیر قرآن، زبان قرآن را عرفی با ویژگی منحصر به فردی می داند. از سویی برای فهم آیات، لغت شناسی و ادبیات عرب را ملاک فهم می داند و خود عملاً در توضیح آیاتی، به همان ادبیات تمسک کرده است و از طرف دیگر، طبق نقل کلامی از آن حضرت، قرآن را مشابه کلام بشر نمی شناسد. «و لا تجعل کلامه ککلام البشر» ۳۰، و ظاهراً، چنین ایده ای را بر اساس سایر سخنانی که از آن حضرت وجود دارد نمی توان به یکایک آیات قرآن سرایت داد. چه اینکه خود امام در تعبیری فرموده است: «رب شئی من کتاب الله تأویله غیر تنزیله و لا یشبهه بکلام البشر» ۳۱؛ چه بسا از کلام خدا که تأویلی غیر از تنزیل دارد و شبیه به کلام بشر نیست. وجود ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تنزیل و تأویل ۳۲، عام و خاص، مقدم و مؤخر، عزائم و رخص، منقطع و معطوف و منقطع غیر معطوف ۳۳ در قرآن، مؤید همین سخن امام است. طرح چنین دعاوی از سوی امیر مؤمنان، ملهم این نکته است که در تفسیر قرآن، باید به نکات یاد شده توجه داشت. از همین رو است که آن حضرت مردم را از تفسیر قرآن، بدون

داشتن شرایط لازم بر حذر می دارد: «فایاک أن تفسر القرآن برأیک حتی تفقهه عن العلماء». ۳۴
برای تفهیم دقیق آیات قرآن، ذوق و فهمی در خور را شرط می داند: «انّ علم القرآن لیس یعلم ما هو الاّ من ذاق طعمه». ۳۵ دانش علوم قرآنی را برای رسیدن به مراد خداوند، لازم می شمرد.
شناخت نسخ، محکم و متشابه و تاویل را برای تفسیر ضروری می داند و عدم آگاهی به متشابه
را در تفسیر، مایه هلاکت می شمارد. ۳۶

امام علی علیه السلام قرآن را چگونه تفسیر کرده است؟

اکنون که سالیان درازی از آغاز تفسیر کلام خدا می گذرد و تحولات زیادی در این دانش دینی
پدید آمده است، تفسیر به عنوان دانشی در کنار سایر رشته های علمی، عرض اندام می کند.
تفسیر پژوهان با نگاهی به گذشته و تنوع رویکردهای این دانش، به ارزیابی و تقسیم بندی آن
پرداخته اند. روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، بخوبی نمایان شده است. نیازها،
علاقه مندی های مفسران، پیدایش مباحث و رشته های علمی جدید و نگاه نو به عالم و...،
باعث شده است که تنوع رویکرد به تفسیر فراوان شود. نگاه ژرف به تفاسیر نگارش یافته، برای
پژوهشگر این واقعیت را عیان می کند که تفسیر نگار با چه جهت گیری به سراغ آیات قرآن رفته و
چه هدفی را بر آورده کرده و از چه روشی برای تبیین آیات بهره گرفته است. با این نگاه،
کم تر تفسیری را می توان یافت که از جامعیت در روش و گرایش برخوردار باشد.

در این میان، تفسیر مآثور از جایگاه ویژه برخوردار است. آن چنان که بسیاری بر این باور
بوده اند که بدون کلام معصوم، تفسیر کلام خدا، راه به جایی نمی برد و نباید به آن اقدام کرد. ۳۷
تفسیر مآثور را روشی برای کشف معانی آیات به حساب آورده اند، روشی که دارای پایگاه تعبد
دینی و تسلیم بودن در برابر سخن معصوم است. درباره چند و چون این روش کم تر سخن رفته
است. پرداختن به اسناد احادیث و کیفیت دلالت آنها و میزان سازگاری اش با آیات، مباحثی است
که کم و بیش در تفسیر نقلی به آنها توجه شده است؛ اما اینکه خود تفسیر مآثور از چه شیوه ای برای
تبیین قرآن استفاده کرده، مسکوت گذاشته شده و گویا مقام گوینده آن که واجد مقام عصمت است
برای آن اعتبار لازم را به وجود آورده و نیازی برای یافتن شیوه، احساس نشده است.

با این همه، بخشی از آنچه که از امیر مؤمنان در تفسیر قرآن، چه به صورت مستقیم و چه
پیرامون آیات قرآن، نقل شده، قابل تحلیل به روش هایی است که در تفسیر به کار گرفته می شود.
به باور نگارنده شیوه هایی را که می توان با استفاده از آنها آیات قرآن را تفسیر کرد و مراد آنها را به
دست آورد یکی از راه های ذیل، و یا همه آنها است. چنان که در بیانات امیر مؤمنان نیز به وضوح،

به کارگیری چنین شیوه‌هایی قابل درک است.

۱. استفاده از آیات متناظر و به اصطلاح، تفسیر قرآن با خود قرآن. به عنوان نمونه امام علی علیه السلام آیه «الذین انعمت علیهم» (حمد، ۷/۱) را با آیه ۶۹ سورة نساء «فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین» تفسیر کرده است.^{۳۸} و ظالمان در آیه «لا ینال عهدی الظالمین» (بقره، ۱۲۴/۲) را به قرینه «ان الشریک لظلم عظیم» (لقمان، ۱۳/۳۱)؛ مشرکان دانسته است.^{۳۹}

۲. پیامبر خدا ﷺ، از آن رو که از جانب خداوند مسؤول تفصیل و شرح کلام الهی برای مردم بوده^{۴۰}، سخنانش درباره آیات قرآن، از آنها کشف معنا می‌کند. امام علی علیه السلام برای تبیین آیات از کلمات رسول خدا بهره گرفته است. مثلاً «الصلوة الوسطی» (بقره، ۲۳۸/۲) را به نقل از رسول خدا نماز عصر دانسته^{۴۱} و «کلمة التقوی» (فتح، ۲۶/۴۸) را کلمه «لا اله الا الله»^{۴۲}.
۳. معناشناسی واژگان و توجه به زبان و ادبیاتی که قرآن با آن نازل شده و با مردم سخن گفته است. امام علی علیه السلام به دلیل حضور مستمر در میان اعراب و احاطه کامل به زبان و ادب آنان، دارای موقعیت ممتازی است. در تعابیر بسیاری که از آن حضرت روایت شده، امام سعی کرده است با فهم متعارف مخاطبان عرب خود، کلمات و واژه‌ها را برای آنان تفسیر نماید. مثلاً «مور» را در آیه «یوم تمور السماء موراً» (طور، ۹/۵۲) اضطراب^{۴۳}؛ و «کفات» را در آیه «الم نجعل الارض کفأاً» (مرسلات، ۲۵/۷۷)، محل سکونت معنا کرده است.^{۴۴}

۴. به کارگیری عقل و قوه استنباط نیز از جمله شیوه‌هایی است که در تبیین آیات الهی کاربرد وسیع دارد. بیشترین بخش روایت‌های نقل شده از امام علی علیه السلام با این شیوه منطبق است. بخش‌هایی از این روایت‌ها، بیان مصادیق تاریخی، واقعیت‌های عالم هستی، شخصیت‌ها و... است و بخش‌هایی توصیف و تعریف و بیان واضح آیات و از صورت اجمال خارج کردن آنها است و روایاتی نیز که در آنها مفاهیم بسط یافته‌اند و از مورد خود به موارد دیگر جاری شده‌اند. در یک نگاه، می‌توان مجموعه روایت‌های نقل شده از امیر مؤمنان را مصداق آن کلام امام باقر علیه السلام دانست که فرمود: «و لو ان القرآن نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الایة، لمابقی من القرآن شیء و لكن القرآن یجری اوله علی آخره ما دامت السموات و الارض»^{۴۵}، تفسیر وحی به گونه‌ای فرا زمانی و فرا مکانی است. به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

از امام علی علیه السلام نقل شده که تعبیر «المشارق و المغرب» در آیه ۴۰ سورة معارج اشاره به داشتن ۳۶۰ مشرق و ۳۶۰ مغرب است. گفته شده که این کلام ناظر به کرویّت زمین و تقسیم آن به ۳۶۰ درجه است. آیه «لاتنس نصیبک من الدنیا» (قصص، ۷۷/۲۸) مربوط به قارون است.

امام آن را عام و همه مردم را مخاطب آن دانسته و «نصیب» را سلامتی، توانایی، فراغت، جوانی و نشاط معرفی کرده است. به این ترتیب ملاحظه می شود که الفاظ را دارای این ظرفیت تلقی می کرده است که می توانند معانی کثیری را حمل کنند.

تحلیل مفاهیم به منظور قابل فهم کردن آنها نیز از جمله مواردی است که در کلمات امام به وفور یافت می شود. مثلاً درباره استکبار که در آیه ۴۷ سوره غافر آمده، فرموده است: استکبار، ترک اطاعت از کسی است که به اطاعت او امر شده و بالا بردن کسی است که در جامعه خواسته می شود از او تبعیت کنند؛ ۴۷ و علما را در آیه ۲۸ سوره فاطر کسانی معرفی کرده است که قول و فعلشان منطبق باشد و گر نه عالم به حساب نمی آیند. ۴۸

و به این ترتیب، ملاحظه می شود که روش امام علی (علیه السلام) که خود، به دلیل حضور مستمرش در حوادث صدر اسلام و زندگی مداوم در کنار پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، خود، یک شیوه در تفسیر آیات الهی است، به دلیل موقعیت زمانی و مکانی اش و مواجهه با پرسش ها و شبهه ها، از زبانی برای تفسیر استفاده کرده است که با شیوه های عرفی تفسیر یک متن قابل انطباق است. و این خود برای علاقه مندان، راهگشا و آموزنده است.

در انتظار انجام یک مهم

تفسیر و تفسیر نگاری، مدام دامنه وسیع تری پیدا می کند. جمعی به تفسیری نو از قرآن می پردازند و شیوه های جدیدی را در ارائه شرح و تبیین آیات الهی در فرا روی مشتاقان قرار می دهند. جمعی به مباحث تخصصی و در قلمرو خاص، در قرآن اهتمام می ورزند. کسانی هم از لایه لای متون کهن و ماندگار از زمان های پیشین، دیدگاه های خاصی را گردآوری و به دست نشر می سپارند. در این میان، توجه به آرای تفسیری معاصران دوران نزول و یاران و نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. تاکنون بیشتر توجه ها در جمع و ارائه تفاسیر مأثور، به شکل مخلوط و آمیخته از همه کسانی بود که آیاتی از قرآن را تفسیر کرده اند. مثل جامع البیان طبری و الدر المنثور جلال الدین سیوطی و در میان مفسران شیعی، البرهان و نور الثقلین و کنز الدقائق. در سالیان اخیر این شیوه، به مسندنگاری تبدیل شده و قرآن پژوهان و تفسیر پژوهانی تلاش کرده اند تا آرای تفسیری صاحبان نام و آوازه را از صحابه و تابعان و تابعان تابعان گردآوری و ارائه کنند. از ابن عباس دو اثر تنویر المعباس عن تفسیر ابن عباس ۴۹ و صحیفه علی بن ابی طلحه، عن ابن عباس فی تفسیر القرآن ۵۰، نشر یافته است.

مرویات ام المؤمنین عایشه فی التفسیر ۵۱، تفسیر السدی الکبیر، (متوفای ۱۲۸ق)، ۵۲، تفسیر

الامام مجاهد بن جبیر، (متوفای ۱۰۲ق)، ۵۳ التفسیر المأثور عن عمر بن الخطاب، ۵۴ تفسیر السفیان الثوری، (متوفای ۱۶۱ق)، ۵۵، مرویات امام مالک بن انس فی التفسیر، (متوفای ۱۷۹ق)، ۵۶، نیز از جمله کتبی است که به صورت مسند از تعدادی از صحابه و تابعان و تابعان تابعان تهیه و منتشر شده است.

اما تاکنون دیدگاه‌ها و آرای تفسیری امام علی علیه السلام به رغم جایگاه شامخ و شاخص آن امام همام، هنوز به صورتی شایسته و درخوری منتشر نشده است. سید حسن قبانچی در «مسند الامام علی علیه السلام»، ۵۷ حدود ۲۰۰ صفحه را به مباحث قرآنی امام علی علیه السلام اختصاص داده که نسبتش با آنچه از امیر مؤمنان نقل شده، فاصله زیادی دارد. در «موسوعة الامام علی بن ابی طالب» ۵۸ فی الكتاب و السنة و التاريخ، که در سال ۱۳۷۹ به زیور طبع آراسته شده و کاری شایسته و درخور تقدیر است، در مجلد ده، تنها ده صفحه به این موضوع اختصاص یافته است، یک پایان نامه دکتری نیز به نام «النور المبین فی تفسیر امیر المؤمنین علیه السلام» ۵۹ در حدود ۳۵۰ صفحه روایات تفسیری امیر مؤمنان را گرد آورده و بر اساس ترتیب سوره‌ها، سامان داده است.

خوشبختانه اکنون، مجموعه‌ای فخیم تحت نام «التفسیر المأثور عن الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» از سوی دوست تلاشگرم جناب آقای صاحبعلی محبتی در حال انجام است. نامبرده و همراهانش چند سال است که تلاش وسیعی را به عمل آورده‌اند تا کلیه آرای تفسیری امام علی علیه السلام را از منابع روایی شیعه و سنی فراهم آورند. حاصل اولیه این تلاش، روایات بسیار فراوانی است که در حال بازنگری و سامان یافتن است. دوستان یاد شده، تمامی آنچه را که از امام علی علیه السلام درباره قرآن، خواص سور و آیات، شأن نزول‌ها، مباحث علوم قرآنی، تفسیر آیات و حتی روایات تفسیری که امام ناقل آنها است، گرد آورده‌اند. طبق گفته تدوین کنندگان، این مجموعه در حدود پنج مجلد سامان خواهد یافت و در جاهای لازم، همراه توضیح، بیان اختلاف نسخه و ذکر اسناد روایات، بدون بررسی سند روایی و با یادکرد منابع متعدد است.

امید است، آن چنان که شایسته است این اثر بتواند خلأ نبود تفسیر امام علی علیه السلام را برای مشتاقان و شیفتگان پر نماید. ان شاء الله.

۱. المحرر الوجيز، ۱/۱۸.
۲. جواهر الحسان، ۱/۳۰.
۳. الجامع لاحكام القرآن، ۱/۳۵.
۴. تفسير القرآن العظيم، ۱/۸.
۵. البرهان في علوم القرآن، ۲/۲۹۳.
۶. شرح نهج البلاغه، ۱/۱۹.
۷. مناهل العرفان، ۲/۱۷.
۸. بحار الانوار، ۹۲/۱۰۴.
۹. مناهل العرفان، ۲/۱۷.
۱۰. کافی، ۷/۴۴۲.
۱۱. همان، ۱/۶۳.
۱۲. وسائل الشیعة، ۱۸/۱۳۹.
۱۳. نهج السعادة، ۲/۶۸۱.
۱۴. عيون اخبار الرضا، ۱/۲۰۵؛ الاستيعاب، ۳/۱۱۰۷.
۱۵. شواهد التنزيل، ۱/۴۱.
۱۶. ن. ک به: نهج السعادة، ۴/۱۰۶. کلام ۵۱؛ ۲/۲۶، ۱۹۲، ۱۶۳، کلام ۱۹۸؛ ۳/۱۲۹، کلام ۳۶ و....
۱۷. الجامع لاحكام القرآن، ۱/۲۵؛ مناهل العرفان، ۲/۲۱؛ بحار الانوار، ۸۹/۵۲.
۱۸. شواهد التنزيل، ۱/۳۹، ۴۷ تا ۵۰.
۱۹. همان، ۳۴/۳.
۲۰. التفسير والمفسرون، ۱/۸۹، ۹۰.
۲۱. وسائل الشیعة، ۱۸/۱۴۳.
۲۲. همان.
۲۳. همان، ۲۰/۲.
۲۴. نهج البلاغه، خطبة ۱۲۵.
۲۵. کافی، ۱/۶۰.
۲۶. نهج البلاغه، نامه ۷۷.
۲۷. وسائل الشیعة، ۱۸/۱۳۵.
۲۸. نهج البلاغه، خطبة ۱۸.
۲۹. تفسير صافي، ۱/۳۱.
۳۰. همان، ۴/۲۷۴؛ کنز الدقائق، ۱۴/۲۷۳.
۳۱. التوحيد، ۲۶۵-۲۶۷.
۳۲. تفسير العياشي، ۱/۱۴.
۳۳. بحار الانوار، ۹۰/۴.
۳۴. التوحيد، ۲۶۴، ۲۶۵.
۳۵. وسائل الشیعة، ۱۸/۱۲۷.
۳۶. بحار الانوار، ۹۰/۱۲.
۳۷. ن. ک: الحقائق الناطقة، ۱/۲۷؛ کافی، ۱/۲۲۸.
۳۸. تفسير منسوب به امام حسن عسکری/ ۴۲؛ بحار الانوار، ۶۵/۷۸.
۳۹. کنز الدقائق، ۲/۱۳۸.
۴۰. نحل، ۱۶/۴۴، «و انزلنا اليک الذکر لتبين للناس ما انزل الیهم».
۴۱. جامع البيان، ۲/۵۷۱.
۴۲. همان، ۱۱/۳۶۴.
۴۳. بحار الانوار، ۵۵/۷۲.
۴۴. تفسير علی بن ابراهيم قمی، ۲/۴۰۰.
۴۵. تفسير العياشي، ۱/۱۰.
۴۶. معانی الاخبار، ۱/۳۲۵.
۴۷. کنز الدقائق، ۱۱/۳۹۶.
۴۸. امالي مفيد، ۸۶.
۴۹. گردآورنده: ابوطاهر محمد بن يعقوب فيروز آبادی، صاحب قاموس المحيط.
۵۰. صحيفة علی بن ابی طلحه، متوفای ۱۴۳ ق، تحقیق: راشد عبدالمنعم رجال، چاپ اول: ۱۴۱۱، مکتبة السنة قاهرة.
۵۱. تحقيق دکتر سعود بن عبدالله فيسان، ۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۲ م، مکتبة التوبة عربستان سعودی.
۵۲. تحقيق محمد عطا يوسف، ۱۴۱۴ ق، ۱۹۹۳ م.
۵۳. تحقيق دکتر محمد عبدالسلام ابو النیل، ۱۴۱۰ ق، ۱۹۸۹ م، دار الفكر الاسلامی الحديثة.
۵۴. تحقيق ابراهيم حسن، ۱۹۸۳ م، دار العربية للكتاب بيروت.
۵۵. ابو جعفر محمد عن ابی حذیفه نهدي، دار الكتب العلمية.
۵۶. تحقيق محمد بن رزق بن طهوني و حکمت بشير ياسين، ۱۴۱۵ ق، ۱۹۹۵ م، مؤسسة الرسالة.
۵۷. تصحيح سيد طاهر اسلامي، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵۸. محمدی ری شهری با مساعدت محمد کاظم طباطبائی و محمود طباطبائی نژاد، دار الحديث، ۱۴۲۱ ق.
۵۹. نادر فضلی، بی تا، کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن.